

تحلیل مفهومی و مصداقی عفاف با تأکید بر گفتار و رفتار

حضرت زهرا علیها السلام

شاهده پروین کاظمی^۱، طاهره عبدالمهی^۲

چکیده

عفاف، یکی از ارزش‌های اخلاقی کلیدی است که به‌ویژه در آیات و روایات اسلامی به آن تأکید شده است. برای درک عمیق این مفهوم، مطالعه الگوهای عملی ضروری است. حضرت زهرا علیها السلام نمونه‌ای ممتاز در زمینه عفاف و حجاب هست که می‌تواند در قالب الگوی جامع بررسی شود. نوشتار حاضر باروش تحلیلی-توصیفی به جمع‌آوری و تحلیل روایات و رفتارهای ایشان پرداخته و سعی دارد الگوی مناسبی برای عفاف و حجاب ارائه دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم رعایت اصول عفاف در جامعه اسلامی باعث بروز چالش‌های جدی می‌شود. به‌همین دلیل، لازم است سیره معصومین علیهم السلام به‌خوبی در جامعه معرفی شود. سیره حضرت زهرا علیها السلام الگوی الهام‌بخش برای زنان است که می‌تواند آنها را از آسیب‌ها دور نگه دارد و به سلامت روحی و پاداش‌های معنوی برساند. نوشتار حاضر، جنبه‌های مختلف عفاف در سیره ایشان را تشریح و تحلیل می‌کند تا الگویی واقعی و عملی برای زنان مسلمان ارائه دهد.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا علیها السلام، عفاف، حجاب، عفت گفتاری، عفت رفتاری.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: shahedeh_parvin@miu.ac.ir

ORCID: 0009-0003-8827-2253

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی علوم قرآن و حدیث، دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران / استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

Email: t.abdollahi@cfu.ac.ir

ORCID: 0000-0003-3996-7174

۱. مقدمه

عفاف یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد، پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است. مفهومی که در مقابل شهوت است و در معنای عامش به هرگونه خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراطی نفسانی اطلاق می‌شود. در دایره‌ای محدودتر به خویشتن‌داری در برابر تمایلات بی‌بندوبار جنسی گفته می‌شود. حجاب، مترادف عفاف نیست، بلکه یکی از مصادیق آن است. بنابراین، عفاف اختصاصی به زن ندارد و صفت مشترک میان نوع انسان است. تحلیل مفهومی عفت در روایات معصومین علیهم‌السلام در گفتار و رفتار حضرت زهرا علیها‌السلام معنای پارسایی و حالت نفسانی را نشان می‌دهد که انسان را از غلبه شهوت باز دارد و به مصادیق آن مانند رعایت عفت در گفتار، نگاه، پوشش و در کردار به‌ویژه در زنان اشاره می‌شود. عفت حضرت زهرا علیها‌السلام به اندازه‌ای بود که حتی در حضور مرد نابینا خود را حفظ کرد. امروزه برخی از زنان در جامعه اسلامی درگیر فتنه‌ها و ناپاکی‌هایی هستند که یکی از عوامل آن عدم رعایت عفاف است. باتوجه به این، محقق ضرورت این موضوع را احساس کرد تا مفهوم و مصداق عفاف را با تأکید بر گفتار و رفتار حضرت زهرا علیها‌السلام بررسی کند و در رعایت عفاف با الگوگیری از سیره عملی آن حضرت، امنیت خود، خانواده و جامعه را به‌ارمغان بیاورد و از تزلزل بنیان خانواده جلوگیری کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. عفت

عفت در لغت، خودنگهداری و پدید آمدن حالت برای نفس و جان آدمی است که با آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. اصل عفت، بسنده کردن در گرفتن چیز اندک است و طلب عفت و پاکدامنی و بازایستادن از حرام، استعفاف نام دارد. (اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۹) «العفه الکف عما لا یحل؛ عفت، خودداری از چیزی است که حلال نباشد» (فراهیدی، ۱۴۰۵، ۹۲/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۵۳/۱۵). شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «عفاف و پاکدامنی حالتی نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن

عقل» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲). تأکید بر عفاف در امور جنسی چه در روایات و چه در کتب اخلاق آن قدر زیاد است که عرف نیز عفاف را کنترل شهوت جنسی می‌داند گویا تمام معنای عفاف در همین معنی خلاصه شده است.

عفاف در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت مفهومی عام دارد که هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می‌شود، اما شهوت مفهومی خاص هم دارد که همان شهوت جنسی است. بنابراین، عفت نیز دو مفهوم دارد: مفهوم عام که عبارت است از: خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص شامل خودداری از تمایلات افراطی جنسی. در روایات و کتب اخلاق منظور از عفت، خویشتن‌داری در خوردن و امور جنسی است که برترین عبادات شمرده شده و به آن بسیار تأکید شده است. امام باقر (ع) فرمود: «ما عبدالله بشيء أفضل من عفة بطن و فرج؛ خداوند به چیزی برتر از عفت بطن و فرج عبادت نشده است». در روایت دیگری آمده است: «افضل العبادة العفاف؛ عفت شکم و پاکدامنی بهترین عبادت است» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱/۲). عفاف در اصطلاحات مختلف مانند قرآن، حدیث و علم اخلاق مفاهیم گوناگون دارد. به‌طورکلی، عفاف در اصطلاح قرآن و حدیث در دو مفهوم به‌کار رفته است: یکی مفهوم عام به معنای خویشتن‌داری در برابر هر امر ناروا و ناپسند و مفهوم خاص به معنای پرهیز از عمل غیرضروری که تمایل جنسی را میان دونفر به جز زن و شوهر به وجود آورد یا آن را تشدید کند؛ یعنی شعاع دایره معنایی آن را به خویشتن‌داری در شهوت جنسی نامشروع محدود می‌کنند (پریوند، ۱۳۸۶، ص ۱).

۱-۱-۲. تفاوت عفاف و حجاب

عفاف و حجاب، دو ارزش اسلامی است که از سویی رابطه تنگاتنگی باهم دارند و ازسوی دیگر باهم متفاوت هستند. حجاب در لغت در معانی پرده، روپوش، روبند و به معنای آنچه که با آن چیزی را می‌پوشانند و چیزی که مانع چیز دیگر است به‌کار می‌رود. (عمید، ۱۳۸۱، ۷۷۹/۱) عفاف، خودنگهداری و پدید آمدن حالتی درونی برای نفس و جان آدمی است که با آن از غلبه

و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. براساس این دو تعریف، تفاوت بین حجاب و عفاف، تفاوت بین ظاهر و باطن است.

۲-۲. حجاب

حجاب، مانع و بازدارنده ظاهری است، ولی عفاف، مانع و بازدارنده باطنی و حالت درونی است. تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر از ویژگی‌های عمومی انسان است. (باقری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱) هرچه عفاف درونی و باطنی انسان بیشتر باشد باعث رعایت حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌شود و هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد موجب تقویت و افزایش و دستیابی انسان به مراتب بالاتر عفاف می‌گردد. حجاب، میوه و ثمره عفاف است.

۲-۳. عفاف

اشتیاق و توجه به عفاف، پاکدامنی، شرم و حیا تدبیری نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌کند به طور ناخودآگاه خود را از چشم نامحرم بیپوشاند و حجاب ظاهری را هم به طور کامل رعایت کن؛ زیرا درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه ناپاک بی‌حجابی نمی‌شود. در سوره اعراف آمده است: «و البلد الطیب یخرج نباته یأذن ربه و الذی خبت لا یخرج إلا نکد کذا لك نصرف الآیات لقوم یشکرون؛ سرزمین پاکیزه و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این گونه آیات خود را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم» (اعراف: ۵۸). باید دانست که معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده‌تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است. عفاف حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام باز می‌دارد، اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگونی دارد، درحالی‌که حجاب، امری ظاهری و بیرونی است. از ابعاد مختلف عفاف می‌توان عفاف در کردار، گفتار، نگاه و عفاف در پوشش را برشمرد.

رعایت عفاف، تعیین‌کننده‌ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا می‌کند و انسان را به کمال و سعادت حقیقی خویش می‌رساند.

۳. تحلیل گونه‌های مصادیق عفاف براساس گفتار و رفتار حضرت زهرا علیها السلام

عفاف در روایات معصومین علیهم السلام به‌ویژه در گفتار و رفتار حضرت زهرا علیها السلام، معنای پارسایی و حالت نفسانی را نشان می‌دهد که انسان را از غلبه شهوت بازمی‌دارد و مصادیقی مانند رعایت عفت در نگاه، گفتار، رفتار و پوشش را شامل می‌شود.

۱-۳. عفاف در نگاه

از مصادیق عفاف، عفاف در نگاه است؛ زیرا نگاه کردن به محرمات الهی انسان را به‌سوی گناه سوق می‌دهد، زمینه گناه و فساد را در وجود او ایجاد و دل را به‌تدریج مشغول گناه می‌کند. ازاین‌رو، خداوند دستور داده است که زنان و مردان نامحرم از محرمات الهی چشم‌پوشند. در قرآن و روایات به نگاه عفیفانه هم برای آقایان و هم برای خانم‌ها تأکید شده و نگاه کردن به چیزهایی که از طرف خداوند منع شده تقبیح و منکر شمرده شده است. خداوند می‌فرماید: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ذلک اذکی لهن ان الله خبیر بما یصنعون؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم‌ان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است و خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (نور: ۳۰-۳۱). دستور این آیه هم برای زنان و هم برای مردان است. زن و مرد نامحرم باید از نگاه‌های حرام به یکدیگر بپرهیزند و خود را به نیروی عفاف در نگاه مجهز کنند تا زمینه افکار منفی در وجودشان ایجاد نشود.

در شأن نزول این آیات از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبه‌رو شد. در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می‌شد. چهره آن زن نظر آن جوان را به‌خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد درحالی‌که

راه خود را ادامه می داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان از پشت سر خود به او چشم دوخته بود. جوان طوری غرق نگاه بود که ناگهان صورتش به دیوار برخورد کرد و مجروح شد. نزد رسول خدا ﷺ رفت و ماجرای خود را نقل کرد و این آیه نازل شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ۴۳۵/۱۴؛ عروسی، ۱۴۱۵، ۵۸۵/۳)

«یغضض» از ماده «غض» به معنای کاهش و کم کردن نگاه است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲، ۱۰۴/۵) و منظور، چشم پوشی از نگاه حرام، غیر ضروری و شهوت آلود است. در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد فرقی نیست. بدین ترتیب همان گونه که چشم چرانی بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام است. پیامبر ﷺ در بیان پیامد نگاه طولانی می فرماید: «إياكم و فضول النظر فإنه يبذر الهوى و يولد الغفلة؛ از نگاه های زیادی و بی فایده بپرهیزید؛ زیرا تخم هوس را (در دل) می پاشد و موجب غفلت می شود» (مجلسی، ۱۳۹۷، ۱۹۹/۷۲؛ فرهادیان، ۱۳۹۰، ص ۵). حضرت زهرا ﷺ فرمود: «خير للنساء أن لا يرين الرجال و لا يراهن الرجال؛ آنچه برای زنان نیکوست، اینکه بدون ضرورت مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز او را ننگرند». حضرت علی ﷺ می فرماید: «با جمعی از اصحاب در محضر رسول خدا ﷺ نشسته بودیم، پیامبر ﷺ به ما رو کرد و فرمود: به من خبر دهید که برای زن چه چیز خوب است و خیر و سعادت او در چیست؟ همه ما از پاسخ به این سؤال، درمانده شدیم، تا اینکه متفرق گشتیم، و به خانه آمدم و به حضرت زهرا ﷺ گفتم: پیامبر ﷺ چنین سؤالی از ما نموده و ما از پاسخ به این سؤال درماندیم. حضرت فاطمه ﷺ فرمود: من پاسخ این سؤال را می دانم. "خير للنساء ان لا يرين الرجال و لا يراهن الرجال؛ بهترین دستور برای زنان آن است که نه آنها مردان نامحرم را بنگرند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند"». (قمی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶) (کرمی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۴)

شیوه و روش حضرت، بهترین الگو برای زنان است، اما متأسفانه در عصر حاضر، شیاطین وسوسه گر و دشمنان اسلام تلاش می کنند به هر وسیله ای زنان مسلمان را از هویت خود جدا کنند و در مجامع عمومی و معرض دید نامحرمان بکشانند و به این وسیله آنها را از هدف اصلی خلقتشان بازدارند. زیباترین درسی که حضرت زهرا ﷺ به بانوان جهان آموخت حفظ عفاف و

حجاب بود که در سرتاسر زندگی حضرت نمود داشت. در روایت آمده است: «روزی مرد نابینایی برای ورود به خانه امام علی (ع) اجازه خواست. حضرت زهرا (ع) با ورود وی پشت پرده رفت و حجاب خود را کامل کرد. وقتی رسول خدا (ص) علت آن را جویا شد در پاسخ پدر اظهار داشت: «إن لم یکن یرانی فانی اراه، و هو یشم الریح؛ اگر آن نابینا مرا نمی بیند من او را می بینم. دیگر آنکه مرد، حساس است و بوی زن را استشمام می کند». رسول خدا (ص) فرمود: «گواهی می دهم که تو پاره تن منی» (آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸). در این روایت ارزشمند تحسین و شگفت پیامبر (ص) قابل توجه است و اینکه چگونه پیامبر (ص) با دیدگاه دخترش در پرهیز و خودداری از نامحرمی نابینا همراه می شود که نشان از نهایت عفت و حیای سیده زنان عالم است؛ موضوع بسیار مهم و قابل توجه در جوامع امروزی که بی توجهی و بی اهمیتی به آن سبب ایجاد بسیاری از مشکلات، ناامنی‌ها و سلب آرامش روحی و روانی نهاد خانواده‌ها شده است.

۳-۲. عفاف در گفتار

از آموزه‌های اخلاق اسلامی، رعایت عفت در گفتار توسط بانوان است. خداوند در قرآن قالب‌های مختلفی را برای کلام بیان کرده است مانند «قول حسن؛ گفتار نیکو» (ر.ک.، بقره: ۸۳)؛ «قول معروف؛ گفتار شایسته» (ر.ک.، بقره: ۲۳؛ نساء: ۵؛ نساء: ۸؛ احزاب: ۳۲)؛ «قول لین؛ کلام نرم و ملایم» (ر.ک.، طه: ۴۴)؛ «قول کریم؛ سخن ارجمند» (ر.ک.، اسراء: ۲۳)؛ «قول سدید؛ کلام محکم و استوار» (ر.ک.، نساء: ۹؛ احزاب: ۷۰) و «قول بلیغ؛ کلام رسا و پیراسته» (ر.ک.، نساء: ۶۳). کلام عفیف، کلامی است که هم از نظر محتوا و هم از نظر شیوه بیان قرین عفت باشد و آوا و آهنگ صدا به هنگام سخن گفتن به گونه‌ای باشد که ادب و عفت رعایت شود» (قاضی زاده، احمدی، و سامانی، ۱۳۸۶، ص ۱).

در این مورد در آیات و روایات توصیه لازم شده است و باتوجه به تفاوت صدای زن و مرد و ظرافتی که در صدای زن برای به هیجان افکندن مرد وجود دارد قرآن به طور خاص، بانوان را به لحن کلام خاصی در مخاطب با نامحرمان رهنمون می کند: «یا نساء النبی لستن کأحد من النساء إن اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا؛ ای همسران

پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند» (احزاب: ۳۲). در این آیه خداوند دستور لازم در زمینه عفت در گفتار را صادر کرده و به این نکته تأکید می‌کند که گفتار افراد نباید به گونه‌ای هوس‌انگیز و با صدای نرم و طنازانه باشد که سبب طمع بیمار دلان شود. تعبیر به «الذی فی قلبه مرض؛ کسی که در دل او بیماری است» تعبیر بسیار گویا و رسایی است از این حقیقت که غریزه جنسی در حد تعادل و مشروع عین سلامت است، اما هنگامی که از این حد بگذرد نوعی بیماری خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ۱۷/۲۸۹).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه، آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد». (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۶/۱۴۰۶۰) این آیه علاوه بر منع از سخن گفتن طنازانه و با صدای جذاب بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیرضروری تأکید دارد. همچنین متذکر می‌شود که در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه‌های زنانه و سخنان هوس‌آلود، افرادی که سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی ندارند به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند. سیره عملی این بانوی بزرگ اسلام در هر صحنه زندگی برای بانوان عالم بهترین و کامل‌ترین الگوست. بنابراین، زن مسلمان باید به دنبال این باشد که چگونه از این انسان کامل الگو بگیرد و سعادت دنیا و آخرت را برای خود و خانواده خود به ارمغان بیاورد.

۳-۳. عفاف در رفتار

عفاف در کردار و رفتار نه تنها نجات خود فرد، بلکه موجب نجات ذریه او از آتش جهنم می‌شود. روایات بسیاری از پیامبر ﷺ نقل شده است که دلالت دارد بر اینکه چون حضرت فاطمه علیها السلام دامن مبارک خود را به هیچ گناهی آلوده نکرد خداوند آن حضرت و ذریه او را از آتش جهنم

نجات داد. پیامبر ﷺ فرمود: «إن فاطمة حصنت فرجها فحرم الله ذریتها عن النار؛ همانا فاطمه دامن خود را از گناه حفظ کرد، پس خداوند فرزندان او را از آتش جهنم نجات بخشید» (مجلسی، ۱۳۹۷، ۲۳۲/۴۳). در زیارت‌نامه حضرت زهرا (علیها السلام) به سبب همین ویژگی مطرح، ایشان این‌گونه مورد خطاب قرار می‌گیرد: «السلام علیک ایتها التقیة النقیة؛ سلام بر تو ای بانوی پاکدامن و فرهیخته» (صدوق، ۱۳۸۸، ۲۶۸/۲؛ سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳). این امر به دلیل ارتباط بین نام‌های معین شده از طرف پروردگار با جلوه‌های رفتاری حضرت است.

از آیات قرآن به دست می‌آید که عفاف در کردار و رفتار سبب دریافت فضل خداوند می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله؛ و کسانی که وسیله نکاح ندارند به عفت سر کنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند» (نور: ۳۳). وقتی انسان با تمام تلاشی که می‌کند وسایل ازدواجش فراهم نمی‌شود و ناچار است مدتی را با محرومیت بگذراند و تقوی و عفت خود را حفظ کند خدا او را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند (بهرام‌پور، ۱۳۹۲، ۳۵۴/۱). چه شرافتی از این بهتر که انسان خود را مجهز به عفاف کند تا از آسیب‌های روحی و روانی آن در دنیا حفظ شود و سزاوار چنین پاداش عظیم اخروی شود.

تأثیر عفاف چنان است که نه تنها در دنیا که در لحظه مرگ، انسان را همراهی می‌کند و می‌تواند وصیت‌های او را عفاف‌گونه کند. حضرت زهرا (علیها السلام) در بستر مرگ از کیفیت حمل جنازه خود نگران بود و به پوشیده بودن بدن خود از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کرد. نقل شده است: «روزی حضرت زهرا (علیها السلام) در بستر بیماری بود. به أسماء بنت عمیس فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زن را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند طوری که حجم بدن مشخص می‌شود. مرا بر روی تابوت آن چنانی مگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم بازدارد» (صدوق، ۱۳۷۶، ۶۳/۱).

چنین حالتی نتیجه رسوخ ویژگی عفاف در روح یک انسان است و محدود به دوره زودگذر دنیا نیست. این حالت زن، نزدیک‌ترین حالت او به خالق حقیقی او می‌شود. در روایتی آمده

است: «رسول اکرم ﷺ از اصحاب خود سؤال کرد که زن چیست. پاسخ دادند: زن عورت است. حضرت پرسید: در چه وقت است که زن از هروقت دیگر به خدا نزدیکتر خواهد بود. اصحاب نتوانستند پاسخ سؤال را بدهند تا اینکه مطلب به گوش حضرت زهرا علیها السلام رسید و ایشان در جواب فرمود: "ادنی ما تكون من ربها ان تلزم قعر بیتها فقال رسول الله ان فاطمه بضعه منی؛ حضور زن در خانه، بهترین چیز برای زن است تا نه وی مردی را ببیند و نه مردی او را" (مجلسی، ۱۳۹۷، ۹۲/۴۳؛ اعتمادی، ۱۳۹۲، ص ۶۴). این گونه نیست که حضرت زهرا علیها السلام هیچ وقت از خانه بیرون نمی رفت، بلکه منظور این است که آن تجسم حیا و عفاف سبب می شد تا ضرورتی نبود به جامعه نمی آمد. ایشان در مواقع ضروری و حساس در اجتماع حضور می یافت و در مسائل سیاسی و اجتماعی شرکت می کرد به ویژه در مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و به یغما رفتن فدک در مجامع عمومی به مناظره می نشست و از حق خود دفاع می کرد و هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی رفت.

رسول اکرم ﷺ به زنان صدر اسلام درباره رفت و آمد به مسجد و کوچه و بازار سفارش کرد و فرمود: «قال رسول الله ﷺ: ليس للنساء من سروات الطريق شيء و لكنها تمشي في جانب الحائط و الطريق؛ زنان نباید از وسط کوچه و گذرگاه ها عبور کنند، بلکه باید همیشه از کنار دیوار حرکت کنند تا جلب توجه دیگران را نکنند». (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۱۸/۱) زنان باید از جلب توجه نامحرم بپرهیزند و با رعایت عفاف و حجاب در بیرون خانه رفت و آمد کنند و در اجتماعات شرکت داشته باشند. زنان نباید با مردان اختلاط بی مورد داشته باشند؛ زیرا همین اختلاط ها مقدمه ارتباط ها، فتنه ها و شکستن حریم عفت و پاکدامنی آنها می شود.

۳-۴. عفاف در پوشش

پوشش افراد به ویژه در صحنه اجتماع در حضور نامحرم و محیط کار اهمیت زیادی دارد. مؤثرترین نوع حضور در اجتماع را می توان در زندگی کوتاه، اما پر بار حضرت زهرا علیها السلام دید. بنابر شواهد تاریخی هرگاه موقعیت اجتماعی اقتضا می کرد آن حضرت فعالانه وارد عرصه می شد. آنچه در صفحات تاریخ درخشان مانده، پوشش کامل ایشان هنگام فعالیت های اجتماعی و

سیاسی است. برای مثال، شرکت در برخی نبردها مانند جنگ احد در قالب امدادگر، ایراد سخنرانی در مسجد و دفاع از امام علی (ع). هنگامی که حضرت زهرا (ع) خواست در مسجد با ابوبکر و مردم سخن بگوید مقنعه خود را به سر کرد. در روایات آمده است: «انه لما اجمع ابوبکر و عمر، منع فاطمه س فدکا و بلغها ذلک لاث العمامة علی رأسه؛ وقتی که خبردار شدند مردم از مهاجر و انصار در مسجد جمع شدند حضرت بلند شد و خمار را به سر بست به طوری که تمام سر و گردن را پوشاند. "واشتملت بجلبابها". جلباب که پوششی سراسری بود بر سر انداخت که تمام بدن پوشیده شد» (مجلسی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۰؛ رضوانی، ۱۳۹۳، ص ۵۸).

با این روایات، سیره عملی آن حضرت در پوشش، مقدار و کیفیت پوشش هنگام بیرون رفتن از خانه یا در صحنه اجتماع و در حضور، مشخص و معلوم می شود. لازم است که بانوان مسلمان براساس سیره حضرت زهرا (ع) عمل کنند.

فرانتس فانون^۱ نویسنده فرانسوی و متفکر برجسته قرن بیستم به دلیل تفکر استعمارزدایی، کارهای او الهام بخش جنبش آزادی خواهی ضد استعماری، برای بیشتر از چهار دهه بوده است. آثار او در زمینه های مطالعات پسااستعماری، نظریه انتقادی و مارکسیسم تأثیرگذار شده اند. وی می گوید: «نیروهای اشغالگر در کشور مسلمان الجزایر مأموریت داشتند تا هویت و اصالت فرهنگی ملت الجزایر را نابود کنند و در این راه تمام تلاش خود را در تخریب مسئله حجاب و چادر زنان متمرکز کرده بودند؛ زیرا آن را نشانه مهم اصالت ملی زنان الجزایری تلقی می کردند. از دیدگاه استعمارگران، هجوم به تار و پود جامعه اسلامی الجزایر ابتدا باید از متأثر کردن زنان آغاز می شد؛ زیرا زنان را می توان به راحتی فریب داد. دستگاه استعماری فرانسه برای مبارزه با حجاب زنان و بیرون کشیدن آنها از کانون خانواده،

۱. فرانتس عمار فانون (Ibrahim Frantz Fanon؛ زاده ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۵ – درگذشته ۶ دسامبر ۱۹۶۱) نویسنده فرانسوی زبان اهل مارتینیک و یک فیلسوف سیاسی، مارکسیست، مقاله نویس، روانپزشک و انقلابی بود. او را به اسم ابراهیم فرانتس فانون هم می شناسند.

مبالغ هنگفتی اختصاص داده بود. آنها بر این باور بودند که حجاب زن، سد محکم و دژ عظیمی در برابر نفوذ غربی‌هاست. هر چادری که کنار گذاشته شود افق جدید و گام بلندی در تسلط استعمارگران بر کشورهای اسلامی است. دیدن هر زن مسلمانی که حجاب را کنار گذاشته است امید تسلط آنها را ده برابر می‌کند. با هر چادری که رها می‌شود گویی جامعه اسلامی برای پذیرش و تسلیم در برابر استعمارگران آماده تر می‌شود» (تبریزی، ۱۴۰۱، ص ۲۱).

براساس تعلیمات اسلام و قرآن، زنان حق ندارند زینت‌های پنهانی خود را آشکار کنند، هرچند اندامشان نمایان نشود. به این ترتیب، آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، جایز نیست. اسلام از زینت، آراستگی و پیراستگی نهی نمی‌کند، بلکه آنچه مورد مذمت قرآن و اسلام است تبرج و آشکار کردن زینت بیرون از منزل در محافل اجتماعی و برای غیرمحرّم است که باعث فساد و برانگیخته شدن شهوت و در نتیجه گناه و آلودگی می‌شود: «ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى» (احزاب: ۳۳). در معنای تبرج آمده است: «تبرج، آشکار کردن زینت و هرچیزی است که شهوت مرد را برانگیزاند» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲/۲۱۲).

اسلام نمی‌گوید از زینت بهره نبرید و آراستگی را کنار بگذارید، بلکه می‌گوید این امر نباید به زیاده‌روی و افراط منجر شود و نباید از حد شایسته و اعتدال خود که اسلام مشخص کرده است، تجاوز کند. اگر این غریزه از حد و مرز شرعی خود تجاوز کند آتش شهوت را شعله‌ور ساخته و دام شیطان را برای انسان می‌گستراند. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «کمتر فساد در عالم ظاهر می‌شود و کمتر جنگ خونینی است که نسل‌ها را قطع و آبادی‌ها را ویران سازد که نتیجه اسراف و افراط در استفاده از زینت‌ها و زرق نبوده باشد؛ زیرا انسان طبعاً این‌طور است که وقتی از جاده اعتدال بیرون شد و پا از مرز خود بیرون گذاشت، مشکل می‌تواند خود را کنترل کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸/۱۰۲). در هر امری چه در پوشیدن زیورات و چه در زینت کردن، انسان باید حد اعتدالی که اسلام برای سعادت انسان مشخص کرده است را رعایت کند.

آن بانوی بسیار بزرگ جهان، حریم عفاف و حجاب را به طور کامل رعایت می کرد و در بحرانی ترین حوادث سیاسی و اجتماعی حضور و ظهور داشت. دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) در مورد عفاف در پوشش و حجاب در برخی از روایات به گونه ای بیان شده که ابتدا ممکن است برخی از زنان باایمان فکر کنند شرکت آنها در اجتماعات و سخن گفتن با مردان به طور مطلق ممنوع است درحالی که نظر آن حضرت این است که زنان باید از هرگونه تماس و برخورد اجتماعی که باعث بی عفتی و تحریک مردان می شود، پرهیز کنند. برای مثال، صدای خود را نازک نکنند، لباسی که جلب توجه می کند، نپوشند و در هنگام رفت و آمد، متین و باوقار تردد کنند. (ارفع، ۱۳۷۰، ص ۵۶) آنچه در سیره رفتاری حضرت زهرا (علیها السلام) دیده می شود این است که حضرت، همان طور که حریم عفاف و حجاب را به طور کامل رعایت می کرد در بحرانی ترین حوادث سیاسی و اجتماعی، حضور و ظهور داشت.

ماجرای مباحله که حادثه بسیار مهم سیاسی، اجتماعی و عقیدتی بود و در سال دهم هجرت بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هیئت بلندپایه مسیحیان نماینده نجران رخ داد هزاران نفر از مهاجر و انصار در صحرای مدینه جمع شده بودند تا از نزدیک نظاره گر صحنه باشند؛ ناگاه دیدند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با حضرت فاطمه (علیها السلام) و حضرت علی (علیه السلام) و امام حسن و حسین (علیهم السلام) برای مباحله به سوی صحرا می آیند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) براساس آیه ۶۱ سوره آل عمران، حضرت فاطمه (علیها السلام) را همراه خود در چنین همایش سیاسی - دینی شرکت داد. بنابراین، حجاب زنان هرگز مانع آنها برای شرکت در اجتماعات سیاسی و دینی نشد. باین بیان روشن می شود که سیره حضرت زهرا (علیها السلام) در زمینه پوشش اسلامی این گونه بود که با حفظ حریم عفاف و حجاب، در بحرانی ترین حوادث سیاسی و اجتماعی حضور داشت.

۴. نتیجه گیری

عفاف و پاکدامنی، حالتی نفسانی به معنای رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل است. حجاب، مانع و بازدارنده ظاهری است، درحالی که عفاف، مانع و بازدارنده باطنی است. عفاف، حالتی درونی است، درحالی که حجاب به معنای روبند و هر آنچه که با آن چیزی را می پوشانند

به کار می‌رود. این دو اصل یعنی، ظاهر و باطن انسان از مهمترین عناصر در تربیت او هستند و رابطه خاصی با هم دارند. به طور کلی، هرچه عفاف درونی و باطنی انسان بیشتر باشد رعایت حجاب و پوشش ظاهری نیز بهتر و بیشتر خواهد بود. تحلیل مفهومی عفاف در رفتار و گفتار حضرت زهرا (علیها السلام) بیانگر پارسایی و حالتی نفسانی است که انسان را از غلبه شهوت باز می‌دارد. مصادیق عفاف شامل رعایت عفت در نگاه، گفتار، رفتار و پوشش است. همچنین، روشن می‌شود که عمده میراث روایی حضرت زهرا (علیها السلام) بیشتر به مصداق عفاف مربوط می‌شود و رعایت این اصول می‌تواند انسان را از بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی حفظ کند. زنان مسلمان با الگوبرگیزی از عفاف و حجاب آن حضرت می‌توانند راه سعادت را برای خود و خانواده خود هموار کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العلمی.
۲. ارفع، کاظم (۱۳۷۰). فاطمه (علیها السلام) اسوه زنان. تهران: فیض کاشانی.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴). مفردات. قم: دفتر نشر کتاب.
۴. اعتمادی، راضیه (۱۳۹۲). ویژگی‌های شخصی حضرت زهرا (علیها السلام) از منظر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). قم: مرکز نشر کتاب.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه فرهنگی برهان.
۶. بهرام‌پور، ابوالفضل (۱۳۹۱). تفسیر یک جلدی مبین. قم: انتشارات آوای قرآن.
۷. پیوند، فریده (۱۳۸۶). معناشناسی عفاف در قرآن و حدیث. بی‌جا: بی‌نا.
۸. تبریزی، عبدالکریم‌نیا (۱۳۸۶). درس‌هایی از حضرت فاطمه (علیها السلام) برای زنان. نشریه نورمگز، شماره ۹۲، ۲۱-۳۱.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۹۳). فاطمه اسوه بشر. قم: اسراء.
۱۰. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۳). الگوی برتر درس‌هایی از زندگی حضرت زهرا (علیها السلام). قم: مسجد جمکران.
۱۱. سبحانی، علی رضا (۱۴۸۶). مناقب فاطمه زهرا (علیها السلام). مترجم: سلیم علوی، محمد. قم: نشر جمال.
۱۲. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۴). گلچین صدوق، حکایات و روایات برگزیده کتاب من لایحضره الفقیه. مترجم: صفاخواه، محمدحسین. تهران: فیض کاشانی.
۱۳. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۶). عیون اخبار الرضا (علیه السلام). محقق و مصحح: لاجوردی، مهدی. تهران: نشر جهان.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.

۱۶. عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ عمید. بی جا: بی نا.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵). العین. قم: دار الهجره.
۱۸. فرهادیان، فاطمه (۱۳۹۰). عفاف و حجاب در سیره حضرت زهرا (علیها السلام). نشریه پیام زن، شماره ۲۳۶، ۳-۱۰.
۱۹. قاضی زاده، کاظم، احمدی سلیمانی، سید علی (۱۳۸۶). عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات. نشریه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۳۶، ۸۹-۱۱۲.
۲۰. قرشی بنابی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. قمی، عباس (۱۳۷۶). منتهی الامال. قم: هجرت.
۲۲. کرمی، علی رضا (۱۳۸۷). سیره و سیمای ریحانه پیامبر (علیها السلام). قم: دلیل ما.
۲۳. کلینی، ابی محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). فروع الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۷). بحار الانوار. تهران: مکتب اسلامیه.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب اسلامیه.